

غرور ملی

برای آگاهی نسل جوان ایران

اساس تمدن در ایران از تمدن مصر؛ لااقل ۵۰۰ سال و از تمدن هند بیش از ۱۰۰۰ سال؛ و از تمدن چین ۲۰۰۰ سال جلوتر بوده است.

آریانیها یازده هزار سال پیش؛ از کنارسیحون و جیحون به سرزمین (آرین و یج) ایران؛ یعنی بهترین و مقدس ترین زمین سرزیر شده اند.

برای فرزندانمان بگوئید:

تاریخ هرملتی آئینه اوست؛ نظری بتاریخ کهنسال کشورمان بماتشان خواهد داد؛ چه بودیم؛ چه شدیم و سزاوار چه هستیم. تاریخ واقعی ما تاریخی است که علیرغم توطئه سازمانهای بین المللی و دانش فروشان از زیر خاک هزاران سال پیش سربر آورده؛ و فریاد بر میدارد که نه تنها هیچ تمدنی جلوتر از تمدن ایران بوجود نیامده؛ بلکه هنر تمدن و فرهنگ ایران الهام بخش سراسر جهان بوده است.

بسیست و چهار قرن پیش اسکندر مقدونی پسر فیلیپ دوم پادشاه مقدونیه به ایران حمله کرد. چنان لطمه ای به ایران وارد ساخت که دیگر اثری که باستناد آن بتوان بر پایه دانش ایران قدیم؛ پی برد باقی نماند. (تاریخ ایران باستان جلد دوم). در سال ۳۳۴ ق.م دستور ادکلیه نوشته های دینی و علمی ایران را که در دژ (نیشت) بود به یونانی ترجمه و اصل آنرا از بین ببرند.

در سال ۳۲۹ ق.م عظیمترین کتابخانه جهان آنروز در تخت جمشید طعمه حریق ساخت و سپس آنچه را که کتب علوم و فنون و ترجمه آنها توسط یونانیان به یغاب برده شده بود؛ بنام خود ثبت و به جهانیان عرضه کردند. (تاریخ ایران از ماد تا پهلوی).

خوشبختانه اکتشافات باستانی که در شوش؛ کاشان؛ چالوس؛ سیستان؛ گنبد گاپوس؛ قصر شیرین و حسنلو آذربایجان بعمل آمد یکی بعد از دیگری داغ ننگ بر پیشانی دروغ بافانی چون هردوت و گزنفون میکوبد و حقایق تاریخ و قومیت ما را آشکار میسازد. یکی از همین آثار ارزنده لوحی است که از شوش بدست آمده و اخیراً پس از مطالعه آن معلوم شد که ایرانیان در ۴۰۰۰ هزار سال پیش اطلاعات جالبی درباره معادلات دوجوهلی داشته اند. همچنین از جدول ضربی که بعداً اختراع آن به فیثاغورث نسبت داده شده اطلاع داشته اند و قضیه هندسی معروف فیثاغورث را که بموجب آن در مثلث قائم الزاویه مجذور وتر مساویست با مجذور دو ضلع مجاور زاویه ای قائمه را میشناختند و از آن در حل مسائل خود کمک میگرفتند و قدرت آنرا داشته اند که مثلثی را در دایره کامل محاط کنند و یک پنج ضلعی و یک هفت ضلعی منظم محاط در دایره را ترسیم نمایند.

لوح یاد شده اطلاعات تازه ای در باب (شمار - کسور) و اطلاعات جبر و هندسه در شوش میدهد؛ که مشتمل بر صورت مسائلی چند؛ و طریق حل آنهاست.

پرفسور (پوپ) در کتاب شاهکارهای هنر ایران مینویسد: «مدارک موجود برای اثبات فرضیه های چندین سال اخیر مبنی بر این است که کشاورزی و صنایع پیوسته به آن یعنی کوزه گری و بافندگی از فلات ایران آغاز شده است.»

اولین شهرهای بین المللی مانند آنکه در قلعه (جرمو ۶۵۰۰ سال ق.م و تپه گوره ۴۵۰۰ ق.م) کشف شده اند؛ از چندین جهت نشان میدهند که اساس تمدن در این ناحیه از تمدن مصر لااقل ۵۰۰ سال و از تمدن هند؛ بیش از ۱۰۰۰ سال و از تمدن چین ۲۰۰۰ سال جلوتر بوده است.

پلی نیوس که پلینی نیز خوانده میشود و از دانشمندان رومی بشمار میرود و در سال ۷۹ میلادی درگذشته است؛ در کتاب بزرگ خود بنام ((تاریخ طبیعی)) زمان زرتشت را ۶۰۰۰ سال قبل از افلاطون دانسته

غرور ملی

و میگوید حضرت موسی ۱ چند هزار سال بعد از زرتشت بوده است. همین دانشمند از قول هرمی پوس نیز نوشته است که زرتشت ۵۰۰۰ سال پیش از جنگ ترویا بوده است.

یکی از کسانی که عقیده داشت دیانت مسیحی از زرتشت و یا معتقدان پیروان زرتشت اقتباس شده (فرانسیسکو پاتریسیوس) بود. وی در کتابی که در سال ۱۵۴۰ میلادی به زبان لاتین نوشت آورده است: «اولین کسی که مذهب کاتولیکی را بنا نهاد زرتشت بود.»

موریس مترلینگ میگوید: «مطالعه در مذهب ایرانیان از لحاظ مسیحیان خیلی جالب است؛ زیرا چهار پنجم معتقدات مسیحیان از ایرانیان اقتباس شده است.»

هگل فیلسوف آلمانی مقام زرتشت را تا آنجا بالا میبرد که میگوید: «نور برای نخستین بار با پیدایش زرتشت در تاریخ آغاز به درخشش کرد.»

چارلز برلی تزدر کتاب (اسرار دنیاهای گمشده) در صفحه ۲۲ بر اساس آثار کشف شده در منطقه بیستون کرمانشاه مینویسد: «ابزار یافته شده در غرب ایران متعلق به ۷۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد است.»

بیگانگانی که همه افتخارات علمی و فنی ما را به سرقت برده و بنام خود ثبت کرده اند؛ حتی از سابقه باستانی ورزش مانیزنگذشتند و در این باره نیز به تحریف تاریخ پرداختند؛ آنها نمیدانستند که روزی سند رسوایشان از زیر خروارها خاک بیرون خواهد آمد.

پروفسور (کارل ریم) بزرگترین مورخ ورزش که در سال ۱۹۶۱ برای تماشای جام زرین (حسنلو) و بررسی درباره ورزشهای باستانی به تهران آمده بودند با مشاهده جام زرین مزبور اعلام داشت: «پیدا شدن این جام طلا که نهصد و پنجاه گرم وزن و شصت سانتیمتر دهانه آن است و آنرا در سال ۱۳۴۱ خورشیدی در تپه ای که کاخ پادشاهان (مانا) ۹۰۰ سال قبل از میلاد در ۸۵ کیلومتری رضاییه پیدا کردند؛ هیجان خاصی در صاحب نظران ورزشی پدید آورده است؛ زیرا صحنه های ورزش کشتی؛ چوگان بازی؛ ارباب رانی و مشت زنی و تیراندازی بطور برجسته و با ظرافت تمام در بدنه خارجی آن نمایان شده است و کیفیت آغاز مسابقات و صحنه تقسیم جوایز را نیز مجسم کرده است. معلوم میشود ۳۰۰۰ سال پیش که این جام از طلای خالص ساخته شده و در کاخ پادشاهان (مانا) نهاده شده است رشته های ورزشی یاد شده در آذربایجان رایج بوده و ایرانیان این ورزش هارابه مردم جهان آموخته اند؛ و انتساب پیشگامی این ورزشها به یونان نادرست است.

پروفسور (دومستید) مورخ معاصر آمریکایی میگوید: «اسکندر کاخ تخت جمشید را آتش زد و این کار او



موجب شد که خشتهای خام پختند و نوشته روی آنها تا با امروز باقیماند.» این پروفسور میگوید: «امروزه در قرن بیستم پرداخت مزد کارگران و حق فنی و فوق العاده خارج از مرکز و مانند اینها آنچنان عادی و معمولی است که همگان میکنند؛ همینطور هم باید باشد؛ اما دوهزاروپانصد سال پیش در آن زمان که قصر پادشاهان و حکام محلی بوسیله بردگان و زیرتازیانه حکمرانان برپا میشدند و ملیونها نفر زیر شکنجه های جسمی و روحی به هلاکت میرسیدند؛ در ایران بر دیوارهای

باقیمانده تخت جمشید نوشته شده که مزد کارگران یونانی؛ بابلی؛ مصری و آشوری چقدر بوده؛ و به چه نسبتی مزایا میگرفتند.

۱- اسنادی در دست است که وجود موسی و داستان های وابسته به او را تأیید نشده باقی میگذارد و ظاهراً نشان میدهد موسی به آن صورتی که در کتاب های دینی به او اشاره شده وجود تاریخی نداشته است. در آثار باقیمانده در مصر اثری از تأیید وجودی موسی بدست نیامده است (ویراستار)

غرور ملی

قبل از بیداری اروپا در قرن ۱۸ آیات تورات حکم مدارک مسلم تاریخ را داشت اما از آن زمان به بعد بتدریج مورد شک و تردید قرار گرفتند و سعی شد آنها را بامدارک و اسناد تاریخی تطبیق دهند و چون کشف آثاری که موید آیات تورات باشد؛ میسر نشد؛ هرکجا آثار باستانی پیدا شد فوراً یکی از نامهای تورات را بر آن نهادند و آنرا با روایات مذهبی وفق دادند؛ آنچنانکه مقبره سرسلسله مشهد مرغاب؛ یا پشت کوه را (ایلام) نامیدند و (سوشیانت) را از انین زرتشت گرفتند و برای خود بنام (ماشیح) ساختند که بعداً بصورت (مسیح) درآمد و در اسلام شیعه نام (مهدی) بخود گرفت.

در کتاب میراث ایران که توسط ۱۳ تن از خاورشناسان معروف تالیف گردیده چنین میخوانیم: «با در نظر گرفتن سهم عظیمی که نژاد آریایی در تاریخ جهان دارد؛ جای تعجب است که ما اهالی مغرب زمین؛ تمدن های یهودی و یونانی و رومی را کم و بیش با شیرمادر مکیده و آنرا جذب و هضم نموده ایم، در حالیکه برای مغرب زمینی ها تاریخ اولیه نژاد آریایی محدود به مواردی است که با تاریخ یونان و اسرائیل برخورد دارد. در برابر چنین وقایع پیش پا افتاده ای؛ دیگر وسعت عظیم قلمرو خشایار شاه و یا زمینه و عوامل فرمان تاریخی کورش بزرگ پادشاه ایران اهمیت و ابتکار داریوش در هنگام تاجگذاری و بالاخره بوجود آمدن و توسعه کیش زرتشت به نظر مغرب زمینی ها موضوعات فرعی بشمار میروند.

یک قسمت از این بی اطلاعی مغرب زمین به این دلیل است که از ایرانیان قدیم آثاری برجای نمانده (آتش سوزی و غارت اسکندر) بناچار ماخذ و منابع؛ حالت جاتی داری از یونان دارد. باین سبب اگر کسی بخواهد جانب ایران را بگیرد؛ حقایق چنان وارونه و بغرنج به جهاتیان اعلام شده که نویسنده حالت کاسه داغ تراز آتش بخود خواهد گرفت.

آثار بسیار زیبایی که از زیورآلات و مجسمه ها و اسلحه ها در آرامگاه پادشاهان درخوزستان پیدا شده؛ ثابت میکند که تمدن درخشانی در ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در این منطقه وجود داشته و زبان قوم آریایی ساکن این منطقه زبان ادبی؛ دینی و علمی مردم نواحی بین النهرین (بین دو رود) و اطراف بوده و حتی بابلی ها رسوم مذهبی خود را به این زبان ادا میکردند.

اسکندر و جانشینان او معروف به (سلوکی ها) ۱۲۵ سال در ایران ماندند؛ اما بقول ال پی ساتن مورخ معاصر انگلیسی که میگوید: «در نهاد ایرانی نیروی وجود دارد که هستی فاتحین رامی بلعد. یونانیان در فرهنگ ایران هضم شدند و بتدریج جای خود را به اشکاتیان و سپس ساسانیان دادند.»

ایرانیان پاک نژاد مشعل علم و هنر را بازم در سراسر عالم فروزان ساختند؛ تا اینکه در سال ۱۳ هجری در زمان خلافت (عمر) دزدان بیابانی و جانورانی درنده و نادان کتابخانه بزرگ کاخ مدائن را با چهار صد هزار کتاب موجود در آن طعمه حریق ساختند. آن راهزنان که به ایران ۱۴۰ میلیون نفی حمله کردند؛ حتی آداب نماز را نمیدانستند و از قرآن نیز حتی یک آیه راهم از حفظ نبودند و نمیفهمیدند.

در فتح کاخ مدائن به عمر نوشتند: «غنایم را که بدست آورده ایم چگونه تقسیم و توزیع نماییم.» عمر در جواب نوشت: «به هرکس که از قرآن یک آیه بداند؛ سهمی بدهید؛» مبالغه هنگفت رابه مدینه فرستادند و نوشتند؛ کسی از لشکر اسلام نیافتیم که آیه ای از کتاب آسمانی حفظ باشد. لازم بیاد آوری است؛ مدائن نامی است که اعراب به (تیسفون) دادند. وقتی وارد آنجا شدند گفتند (مدینه) به این عظمت ممکن نیست و آنجا را مدائن نامیدند.

پیمان ایرانیان